

این جهانی آن در هم می آمیختند. این روحانیت و معنویت نه تنها در علوم شرعی و دینی، بلکه در علوم محضه نیز به خوبی آشکار است.

گزارشگر: حسین احمدی

چیستی فلسفه دین و مسائل آن

محمد محمدرضایی

ایران، ش ۴۳۳۹، ۷/۲۷، ۱۳۸۸

در ابتدا ممکن است به نظر برسد فلسفه دین تعریف روشنی دارد و مسائل آن نیز مشخص است و به تعبیری فلسفه دین، علم مستقل و متمایز از علوم دیگر است؛ اما با تأمل بیشتر در معنای فلسفه دین، روشن می شود که تعریف آن، بسیار مشکل و مناقشه آمیز است؛ در نتیجه تشخیص مسائل آن نیز به تبع تعریف، معین نیست کتاب هایی که به نام فلسفه دین یا در آمدی به فلسفه دین در مغرب زمین منتشر می شود، هر کدام می کوشند تعریفی از فلسفه دین ارائه دهند، برای مثال، برخی فلسفه دین را تفکر فلسفی و یا ژرف اندیشی در باب دین دانسته اند. برخی از آنها به صعوبت تعریف فلسفه و دین اذعان می کنند و برخی نیز بدون تعریف فلسفه دین، وارد بحث از مسائل آن می شوند و برخی دیگر می گویند که فلسفه دین رایج، در واقع فلسفه دین مسیحی و تا اندازه ای یهودی است. تعریف فلسفه دین، تابعی از تعریف فلسفه و دین است. معنا و تعریف فلسفه و دین، چنان متنوع و متفاوت و به تعبیری عرض عریضی است که تعریف دقیقی از آنها نیز با مشکل مواجه می شود. همچنین در باب رابطه فلسفه با دین چنان آرا و دیدگاه های متعارضی ارائه شده است که برخی مانند کی پرکه گارد، برآنند که دین برای توجیه خود به عقل نیازی ندارد و کوشش برای اعمال و کاربرد مقولات عقلی و فلسفی برای دین به طور کامل بیهوده است.

در تعریف فلسفه، میان فیلسوفان اختلاف نظر وجود دارد؛ زیرا هر یک دارای نگرش و جهان بینی معینی است و همین امر سبب می شود که ماهیت فلسفه از نظر فیلسوفان متفاوت باشد. اصولاً چون این رشته برخلاف رشته های علمی، حدود مشخص و معینی ندارد، هر فیلسوف طبق بینش فلسفی خویش، فلسفه را به صورتی خاص تعریف می کند. بعضی از آنها، فلسفه را در قالب فلسفه طبیعی، دین، سیاست، اخلاق، مسائل اجتماعی و... عرضه می دارند، از این رو همه این قالب ها می تواند فلسفه پردازی باشد.

فلسفه فعالیت عقلانی است. حتی فیلسوفانی که می خواهند در فلسفه پردازی خود به عناصر غیر عقلانی تأکید کنند، باز این عمل را به وسیله فعالیت عقلانی انجام می دهند؛ البته این فعالیت عقلانی به یک شیوه به انجام نمی رسد. گاهی از روش استدلال قیاسی و گاهی استقرایی و گاهی تمثیلی و گاهی شهودی و گاهی هندسی و... مدد می جوید.

بازتاب اندیشه ۱۱۵

۷۶

گزارش ها

با توجه به مطالبی که در باب تعریف فلسفه و دین و مشکل بودن تعاریف آنها مطرح شد، فلسفه دین؛ فعالیتی عقلانی به جهت معقولیت و توصیف مؤلفه‌ها یا آموزه‌های اصلی دین (دین خاص یا عام) و سازواری آنها با یکدیگر یا در جهت نفی آنها و نیز ارزیابی نقادانه از آنهاست. اگر چنین تعریفی از فلسفه دین را بپذیریم، در آن صورت متفکرانی که به معقولیت و توجیه مؤلفه‌های اصلی دین می‌پردازند و برای آنها استدلال ارائه می‌دهند و همچنین کسانی که می‌کوشند سازواری آموزه‌ها را نشان دهند یا متفکرانی که می‌کوشند نشان دهند برخی یا همه گزاره‌های اصلی دین نامعقول و نامربوط است و بین آموزه‌ها ناسازواری وجود دارد یا متفکرانی که بیان این متفکران ارزیابی می‌کنند و نقاط قوت و ضعف این دیدگاه‌ها را نمایان ساخته و در آخر یا از یکی از این دیدگاه‌ها دفاع می‌کنند یا دیدگاه دیگری ارائه می‌دهند، همه در زمره فیلسوفان دین هستند؛ پس بر اساس این تعریف، فیلسوف دین که به توجیه گزاره‌های دین و سازواری بین آنها می‌پردازد یا متکلم فرق چندانی ندارد، زیرا متکلمان نیز در پی آن هستند تا آموزه‌های اصلی دین را توجیه کنند و نیز سازواری این آموزه‌ها را نمایان سازند؛ بنابراین، هر گونه تفکر عقلانی در باب دین که به اثبات و تحکیم یا نفی گزاره‌ای دینی بینجامد، فلسفه دین خواهد بود. در این صورت، مسائل فلسفه دین نیز روشن می‌شود؛ یعنی تمام بحث و بررسی‌های عقلانی جهت اثبات و نفی مؤلفه‌های دین جزو مسائل فلسفه دین خواهند بود.

گزارشگر: ابوالفضل حسینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی